

زیست نامه تحلیلی حضرت حمزه (سلام الله علیه)

مهتاب شورميج^۱

چکیده

باوجود اهمیت جایگاه و نقش حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام الله علیه) در تاریخ اسلام، پژوهشگران و محققین کمتر به تدوین زندگانی و آثار به جامانده از فعالیت های مخلصانه ایشان در حفظ و گسترش اسلام سخن پرداخته اند. شاید دلیل عمده آن، پراکندگی و کمبود گزارش ها یا بی توجهی و مغفول ماندن شخصیت، ارزش و جایگاه ایشان باشد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که به حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام الله علیه) به عنوان شخصیتی ممتاز و الگو، وجه تسمیه، تولد، شهادت، تبار و نسب، خواهران و برادران، همسر و فرزندان، القاب، کنیه ها، شغل، کیفیت و محل دفن را کاوش و بررسی کند. همچنین سعی شده تا حد امکان، دوره های مختلف حیات آن حضرت با روش توصیفی - تحلیلی در ساختاری به ترتیب تاریخی و منسجم، گردآوری شود تا تصویری مستند و صحیح برای پیگیری حیات آن حضرت و تدوین سیره آن شیر خدا پدید آید. این نوشتار با استناد به منابع و متون متقدم سیره، انساب، طبقات و تاریخ - اغلب پیش از قرن هشتم هجری - حیات طیب و افعال بی بدیل این شیر مرد با اخلاص را با توجه به محدوده موضوع تحقیق می کند.

واژگان کلیدی

حمزه بن عبدالمطلب، همسران، فرزندان، اسدالله، غزوه احد.

^۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

مقدمه

با نگاهی به تاریخ حیات مردان مسلمان در ادوار قبل و بعد از ظهور اسلام و بررسی و ارزیابی وقایع و عملکرد جوامع گوناگونی که مسلمانان در آن نقشی را عهده‌دار بودند، این مسئله هویدا می‌گردد که هرگاه مردان مسلمان به‌سوی شجاعت، ایثار و ازخودگذشتگی و تعصب دینی گام برمی‌دارند و به دنیای معنویات گرایش می‌یابند، آن‌گونه منزلت و جایگاهی را کسب می‌کنند که یاد نام، شخصیت و عملکرد آنان در تاریخ هر ملتی تحوّل آفرین و زبانزد همگان است. مردی که بزرگ‌ترین افتخارش حمایت از اسلام و پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) بود. ایشان چنان شخصیتی داشت که حتی سال‌ها پس از رحلت وی نام او ترس بر دل‌های مشرکان قریش می‌انداخت. شاید به همین دلیل است که مورخان درباری اموی یا زبیری از او چندان یاد نکرده‌اند.

یکی دیگر از افتخارات این شیر مرد، اسدالله و اسد رسوله و خیرالشهداء می‌باشد. رزمنده‌ای که تنها در اندیشه حفظ اسلام و جان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) بود. متأسفانه والایی مقام و فضیلت حضرت حمزه (سلام‌الله علیه) در تاریخ مغفول مانده است، لذا این پژوهش در پی آن است که تبار و نسب و فضائل آن حضرت را در چهارچوب موضوع بررسی نماید.

از نظر پیشینه تحقیق، سه کتاب الکترونیکی درباره حمزه سیدالشهدا در سایت بنیاد فرهنگی تربیتی ضیاء الصالحین گذاشته شده است که عبارت‌اند از کتاب الکترونیکی «حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام»، از جناب آقای محمدصادق نجمی که نشر مشعر حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت در سال ۱۳۸۳ آن را چاپ کرده کتاب دوم کتاب الکترونیکی «شخصیت حمزه بن عبدالمطلب»، کاری از مجله حوزه است که این کتاب به حذف فرهنگی حمزه، نگاهی کوتاه به زندگی حمزه، از دیدگاه قرآن، در گفتار ائمه (علیهم‌السلام) و سایر فضایل حضرت حمزه اشاره شده است و اطلاعات خوبی به یک پژوهشگر می‌دهد. مطالب این کتاب ارتباط گذاری با موضوع تحقیق حاضر دارد. سومین اثر کتاب «حمزه اولین مدافع اسلام» نیز مجله حوزه آن را تدوین نموده است. (www.ziaossalehin.ir)

گرچه مراجعه به این کتاب‌ها مفید می‌باشد؛ ولی هیچ‌کدام از موارد فوق به‌صورت تحقیقی، اصولی و علمی به بررسی و تحلیل تاریخی این موضوع نپرداخته‌اند. اثر حاضر تلاشی با نگاه پژوهشی - تحلیلی در مورد شخصیت حضرت حمزه (سلام‌الله علیه) می‌باشد. امیداست گامی - هرچند ناکافی - در جهت تبیین بیش‌تر ابعاد شجره نسب، فرزندان، نسل، فضایل، بصیرت فکری،

شجاعت و باورهای دینی این شیر مرد خدا حضرت حمزه سیدالشهدا (سلام الله) باشد.

۱. تبار و نسب حضرت حمزه (سلام الله علیه)

منظور نگارنده از تبار و نسب، شجره نسب حضرت حمزه (س) است که درواقع همان شجره نسب پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می باشد، روایات زیادی در این مورد نقل شده است. با توجه به ترتیب نگارش تاریخی، دسته اول سیره ها هستند. فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتاب های سیره

منابع ذکر شده در این قسمت، بر اساس کتب سیره است که آمار و تعداد شجره نسب حضرت حمزه (س) را در بر دارد، و در قالب جدول ذیل تنظیم و چپش شده است:
جدول ۱: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب سیره

نام کتاب	نویسنده	زبان	قدمت	مذهب نویسنده	شجره نسب حضرت حمزه (س)	ارجاع کتاب
السیره النبویه (ابن هشام، ۱، ۱۹-۱۷)	ابن اسحاق	عربی	۱۵۱ ق	در شیعه بودندش اختلاف است.	«محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن و اسم عبدالمطلب شیبه بن هاشم، واسم هاشم: عمرو بن عبدمناف، واسم عبدمناف المغيره بن قصی الواسم قصی زید» بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه، واسم مدرکه عامر بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن اَد و یقال: اَدَد بن مَقْموم بن ناحور بن تیرح بن یَعْرُب بن یَشْجُب بن نابت بن إسماعیل بن إبراهيم - خلیل الرحمن - بن تارح و هو أَرزُ بن ناحور بن ساروغ بن راعو بن فالخ بن عَیْبَر بن شالخ بن	اولین سیره نویسنده در اسلام است و کتاب او در دست نیست و از ابن هشام نقل شده است.

	أَرْفَخْشَد بن سام بن نوح بن لَمَك بن مُشَلِّح بن أَخْنُوخ و هو إدریس النبی صلی الله علیه و آله و سلم فیما یزعمون، والله أعلم و كان أول بنی آدم أعطی النبوه و خَطَّ بالقلم، ابن یُرد بن مَهْلِل بن قَیْن بن یَانِش بن شِیث بن آدم»					
السیره النّبویّه المعافری	أبی محمد عبدالملک بن هشام	عربی	۲۱۸ ق	سنّی	همان شجره	الجزء الأول، ص ۱۷-۱۹
سیرت رسول الله	قاضی ابرقوه	فارسی	متوفی ۶۳۳ ق	سنّی	همان شجره	۱۳۸۱ ش ص ۵
خلاصه سیرت رسول الله (صلی الله علیه وآله)	شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر (قاضی ابرقوه، ۳)	فارسی	قرن هفتم	سنّی	همان شجره	۱۳۸۲، ص ۳
السیره النّبویّه	ابن کثیر	عربی	متوفی ۷۰۱- ۷۴۷ ق	سنّی	وی در بیان أنساب قبائل عرب حجاز إلى عدنان از معدّ و عک فرزندان عدنان شروع کرده است.	۱۴۰۳ هجر ی/۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۱۰۱ - ۸۲

زیادبن عبدالله بکائی از ابن اسحاق چنین نقل می کند که اسماعیل (علیه السلام) دارای دوازده

پسر به نام‌های ذیل بود: نابت - که از همه بزرگ‌تر بود. - قیذر، اذبل، مبشا، مسمعا، ماشی، دما، اذر، طیما، بطور، نبش، قیذما و مادریشان زنی بود بنام رحله دختر مضاض بن عمروجرهمی و این جرهم فرزند قحطان است و قحطان کسی است که نسب قبائل یمن بدو منتهی می‌شود و نسب قحطان تا نوح بدین ترتیب است: قحطان بن عامر بن شالخ بن ارفخشذ بن سام بن نوح و اسماعیل ۱۳۰ عمر کرد و در کنار مادرش هاجر در مسجدالحرام در حجر دفن شد. (ابن هشام، ۱۹-۲۰؛ قاضی ابرقوهی، ۵)

در نقل ابن اسحاق بعد از آزر، بن ناحور بن ساروغ بن راعو بن فالخ بن عیبر بن شالخ آمده است، با توجه به اینکه ابن اسحاق نخستین سیره‌نویس است؛ اما در نقل ابن هشام بعد از آزر، بن ناحور بن اسرع بن ارغو بن فالخ بن عابر بن شالخ آمده است. معلوم می‌شود اختلاف جزئی در اسامی اجداد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده، ولی اختلاف در شمارش اسامی در سیره‌ها نبوده است.

به گفته ابن اسحاق، عاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح و ثمود و جدیس پسران عابر، طسم، عیلاق و امیم فرزندان لاوذ که تمامی آن‌ها نسبشان به سام بن نوح می‌رسد همگی از عرب بودند. نابت فرزند اسماعیل دارای پسری به نام یشجب شد و یشجب فرزندش یعرب و یعرب فرزندش تیرح و تیرح فرزندش ناحور و ناحور فرزندش مقوم و مقوم فرزندش ادد و ادد فرزندش عدنان می‌باشد. ابن هشام می‌گوید: برخی بجای ادد، «اد» گفته‌اند. (همان، ۱، ۲۱) ابن اسحاق ادد را فرزند عدنان دانسته است ولی ابن هشام از قول دیگران اد را نام می‌برد که در این زمینه اختلاف است.

در مورد اجداد و انساب حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) که همان اجداد و انساب پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، گزارش‌های زیادی از سوی عالمان علم انساب و مورخان نقل شده است، اکثریت قریب به اتفاق نویسندگان اسامی اجداد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را تا عدنان تقریباً مشابه و تعداد آنان را بیست نفر شمارش کرده‌اند؛ اما نسل پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از عدنان تا آدم ابوالبشر را با اختلافات زیادی هم در اسامی و هم در تعداد آن‌ها ذکر کرده‌اند. در اینجا به چند نمونه از متون انساب و تاریخ اشاره خواهد شد.

فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتاب‌های انساب

منابع ذکرشده در این قسمت، بر اساس کتب انساب است و آمار و تعداد شجره انساب

حضرت حمزه (س) را در بر دارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم شده است:

جدول ۲: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب انساب

نام کتاب	نویسنده	زبان	قدمت	مذهب	شجره نسب حضرت حمزه (س)	ارجاع کتاب
تهذیب الانساب	عبیدلی	عربی	۴۳۵ق	شیعه	«حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مرّه بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن اذ بن اذ بن الیسع بن الهمیسع بن سلان بن نبت بن حمل بن قیذار بن اسماعیل بن ابراهیم بن تارخ بن ناخور بن شاروغ بن ارغو بن فالغ بن عابر - وهو هود - بن شالخ بن ارفخشدين نوح بن لمک بن متوشلح بن أخنوخ بن - و هو إدريس - بن الیاردین مهلائیل بن قینان بن أنوش بن شیث بن آدم أبی البشر علیه السلام».	۱۳۸۱ ق، ص ۲۴ و ۲۵.
المجدی	العمری (عمر ی، ۱۸۵)	عربی	۴۶۶ق	شیعه	همان شجره	۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲۲ق ص، ۱۸۵.
الفخری	المرو زی الازوارقانی	عربی	متوفی ۱۴ع	شیعه	همان شجره	۱۴۰۹ ق، ص ۸ و ۹.
الانوار	الجز	عربی	متوفی	شیعه	«حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن	

۱۴۳۱	عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مرّه	ق ۷۵۸		ی الکلبی الغزنائی	
ق / ۲۰۱۰ م / ۱۳۸۸ ش	بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن اُذ بن اُدد بن الهمیسع بن نبت بن اسماعیل بن ابراهیم بن هوزار إلى ناحور إلى ساروخ إلى أرغو إلى فالغ إلى غابر إلى شالخ إلى أرفخشذ ألی سام بن نوح بن لامک بن متوشلح بن إدريس بن یرد بن مهلائیل بن قینان بن أنوش بن شیث بن آدم».				
۱۵-۲۰					
۱۴۱۹	«حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مرّه بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن اُذ بن اُدد بن الیسع بن الهمیسع بن سلیمان بن شیث بن قیدار بن اسماعیل بن ابراهیم بن تارخ بن ناخور بن شاروغ بن أرغون تا به سام بن نوح بن لامک بن متوشلح بن إدريس بن یرد بن مهلائیل بن قینان بن أنوش بن شیث بن آدم، أبی البشر»	شیعه	متوفی ۱۱۲۵ ق	عربی	کاشف الغمه فی تاریخ الأئمه علیهم الس لام
ق ص ۲۳-۲۴					
ج ۱، ص ۳۳ ۲۴-	ایشان نظر عبیدلی نسابه و و مجدی و مجلسی و ابن بابویه را نقل کرده است. این نظرات را پذیرفته است.	شیعه	معاصر	عربی	المعقبون من آل الموسوی
					ابی طالب

با مقایسه کتب سیره و انساب متوجه خواهیم شد که تعداد ارقام اجداد حضرت حمزه (س) از عبدالمطلب تا عدنان بیست نفرند، با اندکی اختلاف در نام اسامی افراد و اما از عدنان تا آدم ابوالبشر هم در نام و هم در شمارش افراد بین کتاب‌های سیره و انساب اختلاف وجود دارد. در کتاب‌های سیره که مبنای سندشان ابن اسحاق است، همه یک سخن را نقل کرده‌اند و آن این که بعد از عدنان بن اَدّ و یقال: اَدّ بن مَقُوم بن ناحور بن تیرح بن یَعْرُب بن یَشْجُب بن نابت بن إسماعیل بن ابراهیم الی آخر را ۲۸ واسطه برشمرده‌اند و اَدّ را پسر عدنان دانسته‌اند. درحالی که در کتب انساب اَدّ و اَدّ را دو فرد یا دو واسطه به حساب آورده‌اند و بدین ترتیب آمار اجداد پیامبر (صلی الله علیه وآله) از عدنان تا آدم (علیه السلام) ۲۹ نفر در کتب انساب می‌باشد. البته غرناطی ۲۵ نفر و مشهدی ۲۴ نفر نوشته است. مهم‌ترین اختلاف این دودسته بر سر پسر عدنان یعنی اَدّ است. از سویی اسامی اجداد حضرت حمزه (س) از عدنان تا آدم در کتب انساب با کتب سیره هم تفاوت زیادی دارد، که در متن به همه آن‌ها اشاره شده است. فراوانی و نام منابع مورد استناد در سایر منابع

منابع ذکرشده در این قسمت، بر اساس کتب تاریخی و حدیثی و غیره است که آمار و تعداد شجره انساب حضرت حمزه (س) را در بردارد و در قالب جدول ذیل و به ترتیب تاریخی تنظیم و چینش شده است:

جدول ۳: فراوانی و نام منابع مورد استناد در کتب تواریخ و غیره

نام کتاب	نویسنده	زبان	قدمت	مذهب	شجره نسب حضرت حمزه (س)	ارجاع کتاب
تاریخ الأمم والملوک (طبری، ۲۷۱-۲۷۶)	محمد بن جریر طبری	عربی	متوفی ۳۱۰ ق	سنّی	ارائه آراء مختلفی از عالمان انساب و سیره	بی تا، بیروت : لبنان، الجزء الثانیص ۲۷۱ - ۲۷۶

۱۳۸۵ق الجزء ۱۱ ثانی، لبنان: بیروت، دار صادر، ص ۳۳	اختلاف زیادی بین عدنان و اسماعیل علیه‌السلام هم در اسامی و هم در شمارش وجود دارد. نظریه ابن اثیر نسبت به طبری منطقی تر و به حقیقت نزدیک تر است.	سنّی	متوفی ۶۳۰ق	عربی	ابن اثیر	الکامل فی التاریخ
۱۳۷۹مشهد، شرکت به نشر ص ۳	ابن جوزی می گوید: این سلسله نسب تا عدنان مورد قبول همه دانشمندان است. ولی از آن پس تا آدم (ع) مورد اختلاف است. از این رو ما به همین مقدار بسنده کردیم	سنّی	متوف ۶۵۴	فارسی	سبط بن جوزی	تذکره خواص بذکر خصائص الائمه
۱۳۸۱ ش تهران: امیرکبیر، ص ۱۳۳ ۱۳۲-	پیغمبر علیه‌السلام تا عدنان فرمود درست است و گفت: لاتجاوز معدین عدنان. کذب النسابون فیما بعد از عدنان تا اسمعیل، نسابان اختلاف کرده اند و کما بیش چهل تن را واسطه گفته و شاید که چنین باشد. جهت آن که از عیسی (ع) تا اسحق (ع) چهل و سه تن را واسطه گفته اند و عدنان قریب عهد عیسی (ع) بوده و بنده در کتب انساب زیادت از سیزده تن نیافته. از عدنان بن اُذ بن اُذبن مقوم تا اسمعیل تا آدم برین گفته اند و از اسماعیل بن ابراهیم تا انوش بن شیث بن آدم علیه‌السلام	سنّی	متوفی ق ۷۰۳	عربی	مستوفی	تاریخ گزیده

جلاء العیون	مجلسی	عربی	متوفی ۱۰۳۸	شیعه	عدنان بن اذر بن الهمیسع بن سلمان بن البت بن حمل بن قیدار بن اسماعیل بن ابراهیم الخلیل بن تارخ بن ناحور بن شروغ بن ارغو بن فالغ بن عابر بن شالح بن ارفخش بن سام بن نوح بن مالک بن متوشلخ بن اخنوخ بن البار بن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیب بن آدم علیه السلام	۱۳۹۰ ش قم: اجود، ص ۸
-------------	-------	------	---------------	------	--	----------------------------

مقایسه فراوانی انساب حضرت حمزه (س) بر اساس منابع مورد استناد
در این قسمت میزان فراوانی شجره انساب حضرت حمزه (س) در منابع باهم مقایسه می شود
و بعد به میزان اختلافات وارده در منابع اشاره خواهد شد.
جدول ۴: مقایسه فراوانی انساب حضرت حمزه (س) بر اساس منابع مورد استناد پژوهش

کتاب سیره	کتاب انساب	کتاب تواریخ	جلاء‌العویون	تذکره خواص	میزان اختلاف فراوانی در شجره نسب حضرت حمزه (س) در کتب مورد استناد
از عدنان ز عدنان تا آدم ۲۸ واسطه	از عدنان تا آدم ۳۹ واسطه	نظر واحدی نیست	ازعدنان تا آدم (ع) را مورد اختلاف دانسته و بحثی نکرده است.	۱. درکتب سیره اُذ را پسر عدنان و یک واسطه می دانند؛ اما درکتب انساب اُذ و اُدد، دو واسطه است. ۲. اسامی و شمارش اجداد حضرت حمزه (س) از عدنان تا آدم در کتب انساب با کتب سیره و تاریخ تفاوت زیادی دارد. ۳. مجلسی اُذ یا اُدد را به عنوان فرزند عدنان نام نبرده است. تعدادی از اسامی او با اسامی ابن هشام و عبیدلی فرق دارد. هم اسامی و هم تعداد انساب مجلسی با سیره و انساب تفاوت دارد.	

با عنایت به این اختلافات و نتایج بدین دلیل است که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)
فرموده است: وقتی در شمارش نسبیم به عدنان رسیدید توقف کنید، چون هم در اسامی و هم در

شمارش اختلاف وجود دارد.

عُمَری نَسَبه چنین نقل کرده است: نسب مولانا رسول الله (صلی الله علیه وآله) از عدنان تا آدم در میان مردم اختلاف است. ولی تا عدنان اتفاق نظر وجود دارد. («إِذَا بَلَغَ نَسَبِي إِلَى عَدْنَانَ فَأَمْسِكُوا». عُمَری، ۱۸۵؛ آیتی، ۱) نیز از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) چنین روایت شده است: عالمان علم انساب دروغ می گویند و پروردگار جهانیان راست می گوید. (ابن هشام، ۱۸، ۴؛ آیتی، ۱) زیرا که خداوند در قرآن چنین فرموده است:

«وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا» (الفرقان، ۳۸) و در طی قرن ها تعداد انسان های زیادی مردند.

این آیه قرآن از آن سخن می گوید، که صحت و سقم علم انساب تنها با خداست؛ زیرا تنها خدا علیم و آگاه به حیات و مرگ تمدن ها و مِلّت هاست. آیتی در کتاب باارزش خود هنگامی که از اجداد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) می نویسد، خود می گوید، به دلیل وجود اشتباهاتی در اسامی افراد، از جد بیستم آن حضرت یعنی عدنان شروع می کند. (آیتی، ۱)

با مقایسه اسامی و آمار اجداد حضرت حمزه (سلام الله علیه) در متون سیره، انساب و تاریخ متوجه می شویم که با توجه به سیر تطوّر تاریخی اجداد حضرت حمزه (سلام الله علیه) تا عدنان نزدیک به هم می باشند، ولی به ویژه از عدنان تا حضرت اسماعیل (علیه السلام) و به طور عام تا آدم، در اسامی و هم در ارقام، سیره ها با انساب و تاریخ فرق دارند. درحالی که ابن اسحاق اولین فردی است که در کتاب السیره النبویه خود اجداد و انساب پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) را نگاشته است. از این رو اطلاعات مربوط به اجداد و انساب حضرت حمزه (سلام الله) در سیره ها صحیح تر است، چون مبنای اخبار سیره ها، سیره ابن اسحاق است.

مادر حضرت حمزه هاله دختر اُهیّب بن عبدمناف بن زهره بن کلاب بن مُره است. (ابن سعد، ۳، ۵؛ بلاذری، ۱، ۳۸۱) مادر پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) آمنه بنت وهب بن عبدمناف بن زهره بن کلاب بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضره بود (شرف الدین، ۷) و دختر عموی حضرت حمزه (سلام الله علیه) بوده است.

حضرت خدیجه دختر خُوَیْلِد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از قبیله مادر حضرت حمزه بود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به هنگام ازدواج با عموهای خود مشورت کرد و با عموی خود «حمزه» نزد عمرو بن اسد عموی حضرت خدیجه رفت و او را خواستگاری کرد (ابن هشام، ۱، ۱۵۵ - ۱۵۴) و ابوطالب خطبه عقد را خواند. (یعقوبی، ۲، ۲۲)

۲. تولد حضرت حمزه (سلام الله علیه)

حضرت حمزه چهار سال از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بزرگتر است. ابن سعد در این مورد این گونه می نویسد: «حمزه که رحمت خدا بر او باد، روز جنگ احد که سی و دو ماه از هجرت پیامبر گذشته بود شهید شد و به هنگام شهادت پنجاه و نه سال داشت و چهار سال از پیامبر (صلی الله علیه وآله) بزرگتر بود. حمزه مردی میانه بالا بود.» (ابن سعد، ۳، ۶)

ابن عبدالبر در این زمینه چنین می نویسد: «همانا این سخن که حمزه و عبدالله بن الاسد این دو با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از ثویبه شیر خوردند. این سخن در نزد من صحیح نیست. الا این که این دو شیر خوردنشان در یک زمان نباشد. ابن اسحاق می گوید: حمزه دو سال از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بزرگتر است.» (ابن عبدالبر، ۱، ۲۲۱)

این خبر نشان می دهد که ابن هشام، ابن سعد و ابن عبدالبر در مورد سن حمزه یک عقیده را دارند و آن اینکه حضرت حمزه (سلام الله علیه) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) دو سال و احتمالاً بیشتر بزرگتر بوده است و دو سال یا چهار سال قبل از عام الفیل در مکه متولد شده است.

۳. نام حضرت حمزه (مفهوم شناسی)

حمزه به معنی شیر، شیر بیشه می باشد. (دهخدا، ۱۹، ۷۹۸) حمزه از نام های شیر است و در لغت عرب از جمازه به معنی سختی یا چیرگی بر خواسته ها گرفته شده است. (دائرة المعارف تشیع، ۶، ۵۲۰)

حضرت حمزه را باید به حق شیر میدان در جنگ با دشمنان اسلام دانست که در سختی ها به داد پیامبر (صلی الله علیه وآله) می رسید و بر خواسته های نابجای مشرکین مبنی بر اذیت و آزار رسول گرامی اسلام چیرگی می یافت.

در حلف الفضول، فرزندان عبدالمطلب شرکت داشتند، (یعقوبی، ۲، ۱۷) حمزه هم به عنوان یکی از فرزندان عبدالمطلب شرکت داشته است.

در دعوت یوم الا نذار بنو عبدالمطلب شرکت داشتند. (همان، ۲۷) حضرت حمزه هم در این جلسه شرکت داشته است.

۴. خواهران و برادران حضرت حمزه (سلام الله علیه)

در این قسمت، میزان فراوانی برادران و خواهران حضرت حمزه (سلام الله علیه) در منابع مقایسه خواهد شد و میزان اختلاف وارده در منابع مورد پژوهش بررسی خواهد شد.

جدول ۵: فراوانی نام برادران و خواهران حضرت حمزه (س) بر اساس منابع مورد استناد

پژوهش

سیره	برادران	خواهران	انساب	برادران	خواهران	کتب تاریخ و غیره	برادران	خواهران	اختلافی
السیره النبویه ابن اسحاق ۹ برادر و ۶ خواهر (ابن هشام، ۱، ۹۸)	عبّاس ' عبدالله له، أباطا لب، زبیر، حارث ' ، خجلا ' ، مُقوم، ضیرار، أبا لهب	صَفِیّه، أم حَکیم، البیضاء، عاتکه، أُمیمه، أرؤی بَرّه مُقوم، ضیرار، أبا لهب	ت هذیب الأنسا ب ۹ برادر و هیچ خواهر ی نام نبرده است.) عبیدلی (۲۵،	عبدالله، أبوطالب عبد مناف والزبیر یکتی أباطاهر أبوالفضل العباس له عقب و ضرار لا بقیه له و الحارث له عقب و أبولهب عبدالعزی له عقب، والغیداق و إسمه حجل لا بقیه له، والمقوم	هیچ خواهری را نام نبرده است.	یعقوب بی ۹ برادر و ۶ خواهر هر (یع قوبی، ۱، ۲۲۵)	ع بدالله، أبوطالب والزبیر العباس ضرار و الحارث أبولهب عبدالعز ی والغیداق والمقوم	ام حکیم بی ضاء، عا تکه، بره ' أرو ی، أم یمه	— -

السير ه النبويه ابن هشام (ابن هشام، ۱، ۹۸)	همان	همان	سرّالسه لسله العلویه (بخار ی، ۲۳)	۹ برادر و ۵ خواهر	نام نبرده است	خصال (شیخ صدوق، خصال ترجمه مدرس گیلانی، ۳۱۸)	۹ برادر	۶ خواهر	یک مورد خواهران در کتاب بخاری اختلافست
سير ت رسول الله (صلی الله عليه وآله) قا ضی ابرقوه، ۸۴ (۷۱ -	همان	همان	فتونی عاملی ۸ خواهر ۹ و برادر (الفتون ی العاملی، ۶۴- ۶۳)	ضرار، حجل، زبیر، مقوم، عبدالغزّی أبولهب، غيداق، ربيعه، عبیده، أبوسفیان، مغيره، نوفل بن الحارث	حکيم صفیه عاتکه، برّه أروی بيضاء أميمه رقيه	تار يخ پیامبر اسلام (آي تی، ۴۵)	۹ برادر	۶ دختر	فتونی ۲ خواه ران وآیتی یک برادر اختلافست
خلاصه سير ت رسول الله (شرف الدين، ۷)	همان	همان	ابن عنبه (ابن عنبه، ۸۸)	۱۳ برادر	۶ خواهر	تاریخ اسلام (رسولی محلاتی، ۴۲)	۹ برادر	پنج خواهر	اختلاف در یک خواهر و چهار برادر

السیره النبویه ابن کثیر (ابن کثیر، ۱، ۱۰۲ و ۱۸۴)	همان	همان	غرناط ی (غرناط ی، ۲۰)	۹ برادر	۶ خواهر	تاریخ اسلام (منتظرالقا ئم، ۷۱)	۹ برادر	نوشته	_____
--	------	------	-----------------------------------	---------	---------	---	---------	-------	-------

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت تعداد خواهران و برادران حضرت حمزه (س) و حتی تا حدی اسامی آنان در کتب سیره یکسان است، ولی در کتب انساب واحد و یکسان نمی‌باشد. گرچه عیبدلی نسابه قرن پنجم هجری مانند سیره‌ها گزارش داده، اما در بیشتر کتاب‌های انساب آمار خواهر و برادران حضرت حمزه اختلاف است. یعقوبی همان را می‌گوید که سیره‌ها گویند. محققان معاصر چون آیتی، رسولی محلاتی و منتظرالقائم هم نظر سیره‌نویسان را درج کرده‌اند.

مادر عباس و ضرار، نُسَبه دختر جناب بن کلب بن مالک بن عمرو بن عامر بن سعد بن خزرج بن تیم اللات بوده است. حَجَل یکی از برادران حضرت حمزه بود. وی به دلیل کثرت کارهای خیر و زیادی مال به غِداق ملقب بود. مادر حمزه و مَقُوم و حَجَل و صفیه، هاله دختر وُهب بن عبد مَناه بن زُهره بن کلاب بن مُره بن کعب بن لوی. است. (ابن هشام، ۹۹؛ یعقوبی، ۱، ۲۵۲) مادر حمزه در مکه قابله بود. (بلاذری، ۱، ۳۹۳) در واقع حمزه، مَقُوم، حَجَل و صفیه از یک مادرند.

مادران برادران دیگر حمزه عبارتند از: مادر عبدالله و ابی طالب و زبیر و همه زنان (دختران) عبدالمطلب به جز صفیه، فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم بن یقطه بن مُره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر است. مادر حارث بن عبدالمطلب سَمراء دختر جندب بن حُجیر بن رثاب بن خبیب بن سُواء بن عامر است و مادر ابی لهب، بُنی دختر هاجر بن عبدمناف است. (ابن هشام، ۹۹) اما یعقوبی در جای دیگری می‌نویسد: تعداد پسران عبدالمطلب ده نفر و تعداد دختران چهار نفرند. (یعقوبی، ۲، ۱۲)

۶۵

ابن عبدالبر می‌نویسد: در تعداد عموهای رسول الله (صلی الله علیه وآله) یعنی برادران حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) اختلاف است. برخی ده نفر گفته‌اند و برخی دوازده نفر گفته‌اند. آن‌ها عبدالله پدر پیامبر را پسر سیزدهم عبدالمطلب می‌دانند. و گفته‌اند ابوطالب که اسم وی عبدمناف است و حارث که او پسر بزرگ‌تر عبدالمطلب است و زبیر، عبدالكعبه، حمزه، عباس، مَقُوم، حَجَل که اسم او مغیره و ضرار و قثم و أبولهب که اسم او عبدالعزی و غِداق، پس همگی دوازده پسر و فرزندان

عبدالمطلب هستند و عبدالله پدر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سیزدهمین آن هاست. این را جماعتی از انساب می گویند. (ابن عبدالبر، ۱، ۲۲۱)

سمرقندی چنین می نویسد: عبدالمطلب اسمش شبیه و شبیه الحمد خوانده می شد و اسم او را عامر هم گفته اند. او فرزندان زیادی دارد. از فرزندان او حمزه و عباس و صفیه اسلام آوردند. (سمرقندی المدنی، ۱۶)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نخستین کسی را که پس از مادرش از او شیر خورد، ثویبه کنیز ابولهب بود و همین ثویبه، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و ابوسلمه بن عبدالاسود مخزومی را شیر داد. (یعقوبی، ۲، ۱۰)

بنابراین حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و جعفر و ابوسلمه برادران رضاعی حمزه بوده اند.

۵. همسر حضرت حمزه (سلام الله علیه)

ملّه: مله بن مالک بن عباد بن حجر بن فائد بن حارث بن زید بن عبید بن زید بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف از قبیله اوس و انصار است، وی مادر دو دختر حضرت حمزه به نام های یعلی و عامر بود. (ابن سعد، ۱، ۵)

اما بلاذری در کتاب خود از کلبی نقل می کند که سه نفر از فرزندان حمزه به نام های یعلی، بکر و عامر را نام می برد که مادرشان ملّه از قبیله اوس بوده است. (بلاذری، ۴، ۳۸۱)

خوله: خوله دختر قیس بن فهد و از انصار است که از قبیله بنی ثعلبه بن غنم بن مالک بن نجار بوده است. وی مادر عماره است.

سلمی: دختر عُمیس الخثعمیه و خواهر اسماء دختر عُمیس و از خاندان خَثْعَم است. (ابن سعد، ۳، ۵؛ بلاذری، ۳۸۲-۳۸۱)

۶. فرزندان و نسل حضرت حمزه (سلام الله علیه)

مقایسه فراوانی فرزندان حضرت حمزه (س) بر اساس منابع مورد استناد پژوهش در این قسمت میزان فراوانی فرزندان حضرت حمزه (س) در منابع با هم مقایسه می شود و بعد به میزان اختلافات وارده در منابع اشاره خواهد شد:

جدول ۶: مقایسه فراوانی فرزندان حضرت حمزه (س) بر اساس منابع مورد استناد پژوهش

ردیف	اسامی فرزندان حضرت حمزه (س)	طبقات الکبری	انساب الاشراف	اسدالغابه	تهذیب الالباب	موارد اختلاف
۱	یعلی	دارد	دارد	—	—	دو مورد
۲	عامر	دارد	دارد	—	—	دو مورد
۳	عُماره	دارد	دارد	دارد	—	یک مورد
۴	أمامه	دارد	دارد	دارد	—	یک مورد
۵	فاطمه	—	—	دارد	—	سه مورد
۶	أُم ورقه	—	—	دارد	دارد	دو مورد
۷	زبیر	—	—	—	دارد	سه مورد
۸	فضل	—	—	—	دارد	سه مورد
۹	معلی	—	—	—	دارد	سه مورد

یعلی: که حضرت حمزه کنیه أبویعلی هم داشته است. یعلی بن حمزه پنج پسر به نام‌های عُماره، فضل، زبیر، عقیل و محمد داشته است، ولی همگی در کودکی فوت کردند و برای حضرت حمزه فرزند و عقبی باقی نمانده است (ابن سعد، ۳، ۵). بلاذری در کتاب خود علاوه بر این چهار فرزند، فرزند دیگری به نام یعلی را از یعلی بن حمزه نام برده است؛ یعنی پنج فرزند به نام‌های عماره، یعلی، فضل، زبیر، عقیل و محمد را نوشته است. ولی از اعقاب و نسل این‌ها یعنی حضرت حمزه کسی باقی نمانده است و یا نام آنان ثبت نشده است. (بلاذری، ۳، ۳۸۱) «عامر»: که در کودکی درگذشته است. (ابن سعد، ۵؛ بلاذری، ۳۸۱) عُماره: نام مادرش خوله دختر قیس بن فهد و از انصار است. (ابن سعد، ۵؛ بلاذری، ۳۸۱). ولی ابن اثیر نام مادرش را سلمی دختر عمیس نقل کرده است. هنگامی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای عمره القضا وارد مکه شد، به پیامبر پیشنهاد کردند که با او ازدواج کند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: حمزه برادر رضاعی من

است و به وسیلهٔ رضاع همان کسانی که از طریق نسب محرم هستند، محرم می‌شوند. چون خاله‌اش اسماء بنت عمیس همسر جعفر بن ابی طالب بود، عماره نزد او باشد. (ابن الأثیر، ۲۱۶) اُمّامه: نام مادرش سلمی بود. پس از شهادت حمزه، علی (علیه السلام) و جعفر و زید بن حارثه هر یک داوطلب بودند که اُمّامه را نزد خود نگهداری کنند و پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستور فرمود از این جهت که خاله‌اش بنت عمیس همسر جعفر است، اُمّامه نزد او باشد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را به عقد سلمه پسر ابوسلمه بن عبدالاسد مخزومی درآورد و فرمود این پاداش سلمه است. (ابن سعد، ۳، ۵؛ بلاذری، ۳۸۳) فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب القریشی الهاشمی دختر عموی پیامبر (صلی الله علیه وآله) است. برخی اسم او را اُمّامه و برخی نام او را عُمّاره آورده‌اند و ابونعیم اسمش را اُم الفضل می‌خواند. در همین جا ابن اثیر از چهار فاطمه (فواطم) به نام های فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه وآله)، فاطمه دختر آسَد و فاطمه دختر حمزه نام برده است. (ابن الأثیر، ۷، ۲۳۷). بلاذری از دختری به نام فاطمه از حمزه بن عبدالمطلب گزارش نداده است. (بلاذری، ۴، ۳۸۲ - ۳۸۱) اُم ورقه: اُم ورقه بنت حمزه بن عبدالمطلب، در اسم او اختلاف است. بعضی او را عُمّاره و برخی او را اُمّامه و همچنین بعضی او را اُم الفضل گفته‌اند. (ابن الأثیر، ۴۴۶) شریف الفتونی از عالمان علم انساب قرن دوازدهم از حمزه بن عبدالمطلب نام می‌برد که نسلی از او به جا نمانده است و یا به ثبت نرسیده است. ایشان سه تن از فرزندان حمزه به نام های زبیر، فضل و معلی نام می‌برد و معلی هم فرزندی به نام عماره داشت. (الفتونی العاملی، ۶۴) فضل، (الفتونی العاملی، ۶۴) معلی، (همان)

در پایان این بحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که با مراجعه به منابع سیره، طبقات، انساب از نسل حضرت حمزه (سلام الله علیه) فرزندی به جا نمانده است و اعتقایی ندارد.

۷. القاب و کنیه‌های حضرت حمزه و چرایی آن‌ها (سیدالشهدا، اسدالله، اسد رسول الله)

الف: القاب) لقب که جمع القاب است. لقب نامی است که بر مدح یا ذمّ دلالت می‌کند و پس از نام نخستین کسی اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۴۲، ۲۵۰)

سیدالشهدا: حمزه نخستین شهید احد بود که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر او نماز گزارد و چهار تکبیر فرمود و سپس دیگر شهیدان را یکی یکی می‌آوردند و کنار او می‌نهادند و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بر آن شهید و حمزه نماز می‌گزارد، آن چنان که هفتاد بار بر او نماز گزارد. (ابن سعد، ۳، ۷؛ ابن هشام، ۳، ۴۸) عبیدلی نسابه در کتاب خود از لقب سیدالشهدا برای حضرت حمزه

نام‌برده است. (عبیدلی، ۲۵) پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عمویش حضرت حمزه را سرور کشتگان در راه خدا معرفی کرده است، به‌طوری‌که امام علی (علیه‌السلام) از قول پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این‌گونه نقل کرده است: «عمّ من حمزه سرور کشته‌گان در راه خداست». (صدوق، ۲، ۵۷۵)

أسدالله و أسد رسوله: روز جنگ احد حمزه بن عبدالمطلب در برابر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ایستاده و با دو شمشیر که در دست داشت جنگ می‌کرد و می‌گفت: «أنا أسدالله» و از هر سو حمله می‌برد. ناگاه پایش لغزید و به پشت افتاد. (ابن سعد، ۳، ۸) در جریان جنگ احد حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) که توسط وحشی مثله گردیده بود. هنگامی که صفیه خواهر حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضرت فاطمه (س) کنار پیکر حضرت حمزه نشسته بودند و گریه می‌کردند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با گریه صفیه گریه می‌کرد و می‌فرمود: هرگز مصیبتی به بزرگی مصیبت تو به من نرسیده است. آنگاه خطاب به صفیه و فاطمه چنین فرمود: هم‌اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمان‌های هفت‌گانه برای حمزه چنین نوشته‌اند: «شیر خدا و شیر رسول خداست». (واقعی، ۱، ۲۹۱)

عبیدلی نسبیه حمزه را «أسدالله و أسد رسول الله» نوشته است. (عبیدلی، ۲۵) بلاذری در رابطه با لقب اسدالله در مورد حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) چنین نوشته است: حضرت حمزه در روز جنگ بدر در برابر مبارزه‌طلبی عتبه بن ربیع بن عبد شمس چنین می‌گوید: «أنا أسدالله و رسوله» و عتبه می‌گفت: «أنا أسدالحلفاء» و حمزه او را کشت. (بلاذری، ۴، ۳۸۴)

بلاذری در جای دیگر از کتابش پیرامون این لقب چنین نوشته است: از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت شده است که در مورد حمزه این‌گونه فرمود: «قسم به خدایی که جان من در دست اوست، همانا در آسمان نوشته شده است، حمزه بن عبدالمطلب شیر خدا و شیر رسول خداست». (بلاذری، ۳۸۱) رشادت‌ها، شجاعت‌ها، اخلاص و ایثارگری‌هایی را که جناب حمزه به‌منظور حفظ اسلام در جنگ بدر و احد در مقابل کفار قریش مکه از خود نشان داد، خداوند جایگاهش را رفیع گردانید و ایشان را در بالاترین طبقات آسمان‌ها جای داد و او را شیر خدا و شیر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مقام و لقب داد.

خیرالشهداء: از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت شده است که حمزه «خیرالشهداء» بود. در جنگ احد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: اگر صفیه بی‌تابی نمی‌کرد، جسد حمزه را به همان حال رها می‌کردم تا آن‌که از چینه‌دان پرندگان و شکم درندگان برانگیخته شود. (ابن

عبدالبر، ۲۲۲)

ب: کنیه‌ها) کنیه: به اسمی گفته می‌شود که معمولاً بر نام فرزندان مرد اطلاق می‌شود و آن مرد به این نام خوانده می‌شود. در منابع سیره، انساب، طبقات و غیره معمولاً از کنیه حضرت حمزه این‌گونه نام برده شده است:

أبا عُمارة: کنیه حضرت حمزه أبا عُماریهیا أبی عُمارة بود. (عبیدلی، ۲۵؛ ابن سعد، ۳، ۵؛ بلاذری، ۴، ۳۸۱؛ ابن عبدالبر، ۲۲۱)

أبویعلی: کنیه دوم ایشان أبویعلی یا أبایعلی بود. (همان) به دلیل اینکه نام دو تن از فرزندان عُمارة و یعلی بوده است. به این دلیل مکتبی به این اسامی بود؛ یعنی پدر عُمارة و پدر یعلی می‌باشد.

۸. اسلام و شغل حضرت حمزه (سلام الله علیه)

با علنی شدن دعوت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و گرایش‌های گروهی، فشار و شکنجه نسبت به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و نومسلمانان آغاز شد. آزار و شکنجه پیامبر (صلی الله علیه وآله) با چوب و سنگ زدن و ریختن خاکروبه و شکمبه شتر و گوسفند بر سرش ادامه داشت تا روزی که حمزه، عموی شجاع پیامبر، اسلام آوردن خود را که قبل از این شروع شده بود، آشکار کرد و با کمانش در حضور سران مکه بر سر ابوجهل، رئیس قبیله بنی مخزوم کوفت. بعد از آن دیگران جرئت جسارت علنی و آشکار نسبت به پیامبر (صلی الله علیه وآله) را نداشتند.

ابن سعد در کتاب خود پیرامون این موضوع چنین نوشته است: اسلام آوردن حمزه را به سال ششم بعثت و پس از آن که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به خانه ارقم کوچیده است. این در حالی است (گویا از شکار باز می‌گشت) به حمزه خبر رسید که ابوجهل و عدی بن حمراء و ابن الاصداء پیامبر (صلی الله علیه وآله) را آزار و دشنام دادند. چون این خبر به گوش حمزه رسید وارد مسجدالحرام شد و چنان با کمان ضربتی بر سر ابوجهل زد که سرش بشکست. حمزه مسلمان شد و اسلام او موجب عزت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان گردید. (ابن سعد، ۵-۶؛ بلاذری، ۴، ۳۸۳)

شوشتری هم در کتاب خود پیرامون شغل حضرت حمزه چنین نگاشته است: «حمزه در سال ششم از نبوت مسلمان شد و سبب آن بود که روزی پیغمبر (صلی الله علیه وآله) در مقام صفا اقامت داشت و ابوجهل می‌گذشت و بی‌سبب ایذاء به آن حضرت رسانید و حمزه به صید رفته بود

و عادت او آن بود که در وقت مراجعت از صید، طواف کردی. چون بازگشت و طواف می‌کرد کنیزک عبدالله بن جدعان صورت حالی که میانه حضرت و ابوجهل گذشته بود عرض کرد، او در حال به مجلس قریش رفت و به کمان سر ابوجهل بشکست و اظهار اسلام فرمود.» (شوشتری، ۱، ۱۷۷-۱۷۸) و اشعاری در این زمینه سروده است. (همان) از این گزارش‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که شغل حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه) شکارچی یا صیاد بوده است. از شکار برمی‌گشت و درحالی‌که کمان شکار را به همراه داشته است، با ابوجهل دشمن برادرزاده‌اش برخورد می‌کند و او را به دلیل اذیت و آزار برادرزاده‌اش با ابزار شکارش تنبیه می‌کند.

۹. شهادت حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه)

جنگ احد یک سال پس از بدر در ماه شوال بود. قریش فراهم شدند و برای خون‌خواهی کشته‌های بدر خود را آماده کردند و به مالی که ابوسفیان آورده بود کمک کردند و گفتند: چیزی از آن را جز در جنگ محمد مصرف نکنید، مشرکان که شماره آنان سه هزار و فرمانده آن‌ها ابوسفیان بن حرب بود از مکه بیرون آمدند، رأی رسول خدا آن بود که از مدینه بیرون نروند، پس انصار رأی دادند که بیرون روند. پس به همراه مسلمانان بیرون رفتند و نبردی سختی کردند. (یعقوبی، ۲، ۴۷) در این جنگ هفتاد نفر از انصار شهید شدند. از قریش و از قبیله بنی‌هاشم، حمزه بن عبدالمطلب که او را وحشی کشته است. (واقعی، ۱، ۲۸۹) پس حمزه بن عبدالمطلب شیر خدا و شیر رسولش کشته شد، وحشی غلام جبیر بن مطعم زبینی به او انداخت و حمزه افتاد و هند دختر عتبه بن ربیعہ او را مثله کرد و جگرش را شکافت و پاره‌ای از آن را گرفت و جوید و بینی حمزه را نیز برید. پس رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سخت بر او بیتابی کرد. (یعقوبی، ۲، ۴۷-۴۷)

ابن هشام در سیره خویش در مورد چگونگی شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا چنین نگاشته است: «حمزه بن عبدالمطلب در جنگ احد که هم چنان به یمین و یسار حمله می‌کرد و ارطاه بن عبدشرحبیل یکی از پرچم‌داران قریش و دیگری سباع بن عبدالعزی که هر دو به شمشیر حمزه از پای در آمدند و حمزه در آن حال که سرگرم قتل سباع بود وحشی حربۀ خود را به‌سوی حمزه پرتاب کرد و آن حضرت را از پای درآورد. وحشی که آن زمان غلام جبیر بن مطعم بود. عموی جبیر، طعیمه بن عدی در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شده بود. همین‌که جنگ احد پیش آمد و سپاه قریش به‌سوی مدینه حرکت کرد. جبر به وحشی گفت: اگر تو بتوانی حمزه بن

عبدالمطلب عموی محمد را در عوض عموی من بکشی تو را آزاد خواهم کرد.» (ابن هشام، ۳، ۲۵-۲۶) بنا بر نوشته بلاذری قریش می‌گفتند که در جنگ بدر حمزه، زبیر و علی بن ابی طالب رضی‌الله‌عنهم تعدادی از بزرگان مشرک قریش را کشته‌اند و می‌گفتند این کار دو برادر و برادرزاده صفیه (دختر عبدالمطلب) است. سرانجام از وحشی بن حرب الأسود برده جبر بن مطعم درخواست شد، در صورت ضربه زدن (کشتن) رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، یا حمزه یا علی او را آزاد خواهند کرد. در این میان هند دختر عتبه که پدرش در جنگ بدر به دست حصرت حمزه (سلام‌الله) به شهادت رسیده بود و او هم وعده‌هایی برای این کار به وحشی داد. (بلاذری، ۴، ۳۸۶)

بنا بر نوشته قاضی ابرقوهی، وحشی که می‌گوید، من مردی حبشی بودم وقتی حربه می‌انداختم خطا نمی‌شد. پس با لشکر قریش به مصافگاه رفتم. حمزه را دیدم مانند شتری سرمست که روی در کفار نهاده بود و هرکجا می‌رفت. همه از پیش وی می‌رمیدند و هیچ‌کسی در جنگ با او نمی‌توانست مقاومت کند و من جایی کمین کرده بودم. تا حمزه برابر من بگذشت و من ناگاه کمین بر وی بگشودم و حربه بینداختم و به سینه وی رسید، چنان‌که از پشت وی به در شد. حمزه به طرف من آمد که مرا بکشد. من از پیش او دویدم. خون بسیاری از وی روان شد و سست شد و بیفتاد و به من نرسید و من چون دیدم که حمزه افتاد، فارغ شدم و بازایستادم تا حمزه جان تسلیم کرد. آنگاه رفتم و حربه خود را از سینه مبارکش کشیدم و از خلق بیرون شدم. چون شغل من فقط کشتن حمزه بود. (همدانی، ۳۳۰)

به روایت واقدی «در روز احد وقتی وحشی از کنار هند دختر عتبه می‌گذشت، به وی گفت یا ابادسمه، امروز باید انتقام بگیری و دل‌ها را خنک کنی. چون به احد رسیدیم، حمزه را دیدم که سخت حمله می‌کند و سر از پا نمی‌شناسد، من زیر درختی به کمین او نشسته بودم. حمزه مرا دید و آهنگ من کرد، ولی همان‌دم سیاع خزاعی راه را بر او گرفت. حمزه متوجه او شد. او را کشت و با شتاب به طرف من خیز برداشت، ولی پیش پای او گل بود، سر خورد و به زمین افتاد. من هم زوبین را به سویش پرت کردم که به زیر نافش خورد و از میان دو پایش بیرون آمد و به این ترتیب او را کشتم.» (واقدی، ۲۸۹)

ابن سعد می‌نویسد: «روز جنگ احد ناگاه پای حمزه لغزید و به پشت افتاد و در همین هنگام وحشی او را دید و زوبینی به او زد و او را کشت و به روایتی وحشی از دور زوبین پرتاب کرد یا نیزه انداخت و او را شهید کرد. هند دختر عتبه نذر کرده بود که اگر بر حمزه دست یابند و او را

بکشند، او از جگر حمزه بخورد. چون حمزه کشته شد و شهیدان را مثله کردند، قطعه‌ای از جگر حمزه را برای هند آوردند و آن را در دهان نهاد و گاز گرفت ولی نتوانست آن را ببلعد و فروافکند. وقتی این خبر به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسید، چنین فرمود: خداوند گوشت و بدن حمزه را بر آتش برای همیشه حرام فرموده است.» (ابن سعد، ۱، ۸)

ابن اسحاق می‌نویسد: هند و زنانی که همراه وی بودند، شهدای اسلام را مثله کردند و گوش و بینی بریدند و هند از گوش و بینی مردان شهید خلخال‌ها و گردنبندهایی فراهم ساخت و خلخال و گردنبند و گوشواره هرچه داشت همه را به وحشی غلام جیبرین مطعم داد و جگر حمزه را درآورد و جوید اما نتوانست فرو برد و بیرونش انداخت. سپس روی سنگی بالا رفت و اشعاری درباره این انتقام‌جویی گفت که هند دختر ائاثه بن عبدالمطلب او را با اشعار خویش پاسخ داد. ابن اسحاق اشعار دیگری هم از هند نقل می‌کند که در آن‌ها به شکافتن شکم و در آوردن جگر حمزه افتخار می‌کند. (ابن هشام، ۳، ۴۳ - ۹۷)

۱۰. کیفیت نماز پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر جنازه حضرت حمزه (سلام‌الله‌علیه)

«پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خودش در طلب حمزه بود. چون او را شکم شکافته و مثله کرده یافت، فرمود: تا حمزه را در بُردی یمنی پیچیدند و بر وی نماز کرد و هفت بار تکبیر گفت. شهیدان را پیش حمزه می‌نهادند و سید علیه‌السلام هر نوبتی که بر ایشان نماز کردی، بر حمزه نماز کردی، چنان‌که هفتاد و دو نوبت بر حمزه نماز کرده بود. آنگاه حمزه را دفن کردند. سید علیه‌السلام رها نکرد که کشتگان را به مدینه برند و فرمود: اینجا دفن کنید که در اینجا کشته شده‌اند و من گواهم برایشان و بر هرکسی که وی را در راه خدای بکشند که فردای قیامت وی را برانگیزند و از جراحت وی خون می‌آید که رنگ آن رنگ خون باشد همچون همه خون‌ها و بوی آن همچون بوی مشک و عنبر بود.» (شرف‌الدین، ۱۲۳)

۱۱. مدفن و مقبره حمزه

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیکر عبدالله بن جحش بن رئاب الأسدی (مادرش آمیمه دختر عبدالمطلب بود.) را که مثله کرده بودند و حمزه را در یک قبر گذاشتند. (ابن هشام، ۴۸؛ واقدی، ۱، ۲۹۱؛ بلاذری، ۱، ۳۹۳؛ ابن عبدالبر، ۲۲۲) حمزه روزه‌دار بود و افطار نکرده بود. (بلاذری، ۲، ۳۹۳) ابن شبه نمیری متوفی ۲۶۲ ه.ق در کتاب خود پیرامون قبر حضرت حمزه

چنین نوشته است: اما آن تعداد از قبور شهدای احد که امروزه معلوم است، یکی قبر حمزه بن عبدالمطلب است که بر کناره شامی وادی و در جوار کوه واقع است. (ابن شبه النمیری البصری، ۱، ۱۳۰)

«چون سید به مدینه باز آمد و در شب آواز زنان از هرجایی شنید که بر کشتگان خود نوحه می کردند، سید علیه السلام فرمود: هر کشته کسی دارد که بر وی زاری می کند، به جز حمزه. پس سعد بن معاذ زنان انصار را فرمود: تا بر حمزه نوحه کنند و زنان انصار نوحه بر حمزه رضی الله آغاز کردند و همچنان به در مسجد سید علیه السلام آمدند. سید علیه السلام از خانه بیرون آمد و فرمود: رحمت خدای بر شما باد، نیز به خانه های خود روید و هم در آن وقت ابتدا نوحه حرام کرد. سید علیه السلام به اصحاب فرمود: بعد از این کافران قریش بر ما ظفر نباشد و نخواهد بود تا مکه را بگشاییم.» (شرف الدین، ۱۲۳-۱۲۴)

به نوشته ابن شبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اول هر سال به کنار قبور شهدای احد می آمد و چنین می فرمود: «سلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الذار» و همچنین از محمد بن بکار چنین نقل می کند که «فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبر حمزه را زیارت می کرد، به ترمیم و بازسازی آن می پرداخت و خود با سنگی آن را نشانه گذاشته بود.» (ابن شبه النمیری البصری، ۱، ۱۳۲)

نتیجه گیری

حضرت حمزه (سلام الله علیه) از شریف ترین قبیله و از بهترین خاندان در حجاز بود. در سخت ترین ایام که مشرکان مکه و به خصوص قریش بسیار وحشتناک به اذیت و آزار پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می پرداختند بودند، ایشان آن بزرگوار را یاری کرد و بر اساس همین تعصب مثبت و حمایت از برادرزاده بود که اسلامش هویدا گشت. از حضرت حمزه فرزندان و اعقابی در تاریخ به جا نمانده است. او اولین شهید در غزوه اُحُد بود، در حالی که پیامبر (ص) بر وی نماز خواند و پیکر سایر شهدا را در کنار پیکرش نماز گذاشتند. برای اولین نوبت در تاریخ اسلام لقب سیدالشهدا به وی اختصاص داده شده است. به دلیل اخلاص، شجاعت ها، دلاوری ها و ایثارش در غزوات بدر و احد اسدالله و اسدالرسول و خیرالشهداء لقب یافت. او از مخلص ترین و وفادارترین مردان تاریخ صدر اسلام به دین اسلام و پیامبر بزرگوار اسلام (ص) بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن جزى غرناطی، محمد بن عبدالله، الأنوار فی نسب آل النبى المختار، تحقیق سید مهدى رجایی، قم، مکتبه سماحه آیه الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، ۱۴۳۱ق.
۴. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۹.
۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۶. ابن شَبَّه نمیری بصری، تاریخ المدينه المنوره (أخبارالمدينه النبویه)، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۳۶۸ش.
۷. ابن عبدالبر، الإستیعاب فی أسماء الأصحاب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
۸. ابن عنیه، الفصول الفخریّه، به اهتمام سیّد جلال الدین محدث ارموی، تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۹. ابن کثیر، السیره النبویه، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیرت، بی نا، ۱۴۰۳ق.
۱۰. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۱۱. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، تجدیدنظر و اضافات و کوشش دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۲. بلاذری، أحمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۳. حسینی سمرقندی، حسین بن عبدالله، تحفه الطالب بعرفه من ینسب الی عبدالله و أبی طالب، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مکتبه سماحه آیه الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، ۱۴۳۲ق.
۱۴. دائره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیّد جوادی، کامران فانی، بهاءالدین

- خرمشاهی، حسن یوسفی اشکوری، ج ۶، واژه حمزه، تهران، نشر سعید محبی، ۱۳۸۱.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، بی-تا.
۱۶. رجائی موسوی، سید مهدی، الْمُعَقِّیُونَ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ (أَعْقَابُ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْمَجْتَبَى)، قم، مؤسسه عاشوراء، ۱۴۲۷ق.
۱۷. رسولی محلاتی، سیدهاشم، تاریخ اسلام از پیدایش عرب تا پایان خلافت عثمان، چاپ دوم، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۸. شرف الدین، محمد بن عبدالله، خلاصه سیرت رسول الله (صلی الله علیه وآله)، با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی و مهدی قمی نژاد، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۹. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، چاپ چهارم، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۲۱. ---، الخصال، ترجمه مدرس گیلانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات جاودان، بی تا.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل، ابراهیم، بیروت، بی نا، بی تا.
۲۳. عاملی، شریف بن محمد طاهر، تهذیب الالباب فی الانساب، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مکتبه سماحه آیه الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، ۱۴۳۱ق.
۲۴. عبیدلی، محمد بن ابی جعفر، تهذیب الأنساب و نهایه الأعقاب، تحقیق محمد کاظم محمودی، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۱۳ق.
۲۵. عمری، نجم الدین علی بن محمد، المجدی فی الأنساب الطالبیین، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۲۲ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، تاریخ زندگی چهارده معصوم (علیهم السلام)، قم، اجود، ۱۳۹۰.

۲۷. مستوفی قزوینی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۸. مشهدی، میرزاحمد، کاشف الغمه فی تاریخ الائمه علیهم‌السلام، تحقیق قسم الکلام و الفلسفه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۹ق.
۲۹. منتظرالقائم، اصغر، تاریخ اسلام تا سال چهلیم هجری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
۳۰. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
۳۱. همدانی، اسحاق ابن محمد، سیرت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بازخوانی و ویرایش متن جعفر مدرس صادقی، چاپ دوم، تهران: مرکز، ۱۳۷۵.
۳۲. یعقوبی، أحمدبن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، در صادر، بی‌تا.

